

<p>Collect Almighty God, you have broken the tyranny of sin and have sent the Spirit of your Son into our hearts whereby we call you Father: give us grace to dedicate our freedom to your service, that we and all creation may be brought to the glorious liberty of the children of God; through Jesus Christ your Son our Lord, who is alive and reigns with you, in the unity of the Holy Spirit, one God, now and for ever.</p>	<p>خداوند قادر مطلق، که حکومت گناه را از هم گسسته ای و روح فرزندت را به قلب های ما فرستادی به واسطه آن تو را پدر می خوانیم: فیضی به ما عطا کن که آزادی خود را برای خدمت به تو اختصاص دهیم، که ما و همه مخلوقات به آزادی با شکوه فرزندان خداوند فرخوانده شده ایم؛ بواسطه فرزندت و خداوند ما عیسی مسیح، کسی که زنده است و با تو حکومت می کند، در وحدت روح القدس، خدایی یکتا، تا ابدالابد.</p>
<p>Job 38:1-11 Then the LORD answered Job out of the whirlwind: "Who is this that darkens counsel by words without knowledge? Gird up your loins like a man, I will question you, and you shall declare to me. "Where were you when I laid the foundation of the earth? Tell me, if you have understanding. Who determined its measurements--surely you know! Or who stretched the line upon it? On what were its bases sunk, or who laid its cornerstone when the morning stars sang together and all the heavenly beings shouted for joy? "Or who shut in the sea with doors when it burst out from the womb?-- when I made the clouds its garment, and thick darkness its swaddling band, and prescribed bounds for it, and set bars and doors, and said, 'Thus far shall you come, and no farther, and here shall your proud waves be stopped'?"</p>	<p>آنگاه خداوند از درون گردباد به ایوب چنین پاسخ داد: این کیست که با حرفهای پوچ و بی معنی حکمت مرا رد می کند؟ حال، مثل یک مرد بایست و به پرسش من پاسخ بده. وقتی زمین را بنیاد نهادم تو کجا بودی؟ اگر می دانی به من بگو. آیا می دانی اندازه های زمین چگونه تعیین شد و چه کسی آن را با شاقول اندازه گرفت؟ آیا می دانی وقتی در میان غریو شادی ستارگان صبح و فرشتگان آسمان، زمین بنیاد نهاده می شد، پایه های آن بر چه چیز قرار گرفت و سنگ زاویه آن را چه کسی کار گذاشت؟ وقتی دریا از شکم زمین بیرون آمد چه کسی برای آن حد گذاشت؟ این من بودم که دریا را با ابرها پوشاندم و با تاریکی برایش قنداقه درست کردم، حدود آن را تعیین نمودم و با سواحل، آن را محصور کردم. به دریا گفتم: "از اینجا جلوتر نیا و موجهای سرکش تو از این حد تجاوز نکنند!"</p>
<p>Psalms 107:1-3, 23-32 O give thanks to the LORD, for he is good; for his steadfast love endures forever. Let the redeemed of the LORD say so, those he redeemed from trouble and gathered in from the lands, from the east and from the west, from the north and from the south. Some went down to the sea in ships, doing business on the mighty waters; they saw the deeds of the LORD, his wondrous works in the deep. For he commanded and raised the stormy wind, which lifted up the waves of the sea. They mounted up to heaven, they went down to the depths; their courage melted away in their calamity; they reeled and staggered like drunkards and were at their wits' end. Then they cried to the LORD in their trouble, and he brought them out from their distress; he made the storm be still, and the waves of the sea were hushed. Then they were glad because they had quiet, and he brought them to their desired haven. Let them thank the LORD for his steadfast love, for his wonderful works to humankind. Let them extol him in the congregation of the people and praise him in the assembly of the elders.</p>	<p>خداوند را حمد گوئید، زیرا او مهربان است و رحمتش تا ابد باقی است. کسانی که توسط خداوند نجات یافته اند به همه اعلام کنند که خداوند آنها را از دست دشمنانشان نجات داده است و آنها را از سرزمینهای بیگانه، از مشرق و مغرب، شمال و جنوب، به سرزمین خودشان باز گردانیده است. برخی به کشتی سوار شده، به دریا رفتند و به کار تجارت مشغول شدند. آنان قدرت خداوند را دیدند و کارهای شگرف او را در اعماق دریاها مشاهده نمودند. به امر او بادی شدید ایجاد شد و دریا را طوفانی ساخت، چنانکه کشتی ها دستخوش امواج گردیدند و بالا و پایین می رفتند. سرنشینان آنها، از ترس نیمه جان شدند و مثل مستان، تلو تلو خورده، گیج و سرگردان بودند. آنگاه در این گرفتاری خود نزد خداوند فریاد برآوردند و او ایشان را از این گرفتاری رهایی بخشید. خداوند طوفان را آرام و امواج دریا را ساکت ساخت. آنها شاد شدند زیرا از خطر رهایی یافته بودند، و سرانجام بسلامت به بندر مراد خود رسیدند. پس آنها نیز باید خداوند را بسبب رحمتش و کارهای بزرگی که در حق ایشان انجام داده است، سپاس گویند. باید عظمت خداوند را در بین جماعت اسرائیل اعلام کنند و نزد بزرگان قوم، او را ستایش نمایند.</p>
<p>2 Corinthians 6:1-13 As we work together with him, we urge you also not to accept the grace of God in vain. For he says, "At an acceptable time I have listened to you, and on a day of salvation I have helped you." See, now is the acceptable time; see, now is the day of salvation!</p>	<p>از اینرو، بعنوان همکاران خدا، از شما خواهش می کنیم که از محبت و رحمت او، نهایت استفاده را بنمایید. زیرا او فرموده است: "فریاد تو را زمانی که در رحمتم برویت باز بود، شنیدیم. در روزی که موعد نجات بود، به کمک تو شتافتیم." الان، همان زمانی است که در رحمت خدا به روی شما باز است؛ الان، همان روزی است که خدا حاضر است به کمک شما بشتابد. ما می کوشیم بگونه ای زندگی و رفتار کنیم که باعث نرجش کسی نگردیم و مانع کسانی نشویم که می خواهند به خدا ایمان</p>

<p>We are putting no obstacle in anyone's way, so that no fault may be found with our ministry, but as servants of God we have commended ourselves in every way: through great endurance, in afflictions, hardships, calamities, beatings, imprisonments, riots, labours, sleepless nights, hunger; by purity, knowledge, patience, kindness, holiness of spirit, genuine love, truthful speech, and the power of God; with the weapons of righteousness for the right hand and for the left; in honour and dishonour, in ill repute and good repute.</p> <p>We are treated as impostors, and yet are true; as unknown, and yet are well known; as dying, and yet we are alive; as punished, and yet not killed; as sorrowful, yet always rejoicing; as poor, yet making many rich; as having nothing, and yet possessing everything.</p> <p>We have spoken frankly to you Corinthians; our heart is wide open to you. There is no restriction in our affections, but only in yours. In return--I speak as to children--open wide your hearts also.</p>	<p>آورند، مبادا ایرادی در خدمت ما بیابند و خداوند را مقصر بدانند. در واقع سعی ما بر اینست که در هر کاری ثابت کنیم که خدمتگزاران واقعی خدا هستیم. هر نوع رنج و سختی و زحمت را تحمل کرده‌ایم؛ شلاق خورده‌ایم؛ به زندان افتاده‌ایم؛ با تهاجم مردم خشمگین مواجه شده‌ایم؛ بیش از توان خود کار کرده‌ایم؛ بی‌خوابی و گرسنگی کشیده‌ایم. با زندگی پاک خود، با بینش روحانی و با صبر و تحمل خود، به همه ثابت کرده‌ایم که ادعاهایمان بجاست. مهربان، با محبت و پر از روح القدس بوده‌ایم. همواره حقیقت را گفته‌ایم؛ خدا در هر امری ما را یاری کرده است؛ با سلاح‌های روحانی که مخصوص مردان خداست، جنگیده و از خود دفاع کرده‌ایم. چه به ما احترام نمایند و چه بی‌احترامی، چه از ما تعریف کنند و چه انتقاد، همواره نسبت به خداوند وفادار می‌مانیم. مردم ما را دروغگو می‌پندارند، حال آنکه جز حقیقت سخنی نمی‌گوییم. گاه همچون افراد بی‌ارزش و گمنام نظر می‌آییم، اما بسیاری ما را می‌شناسند. همواره خطر مرگ ما را تهدید می‌کند، اما هنوز زنده‌ایم و خدا را خدمت می‌کنیم. مجروح شده‌ایم اما از پای در نیامده‌ایم. دلشکسته‌ایم، اما در عین حال از شادی خداوند لبریزیم. فقیریم، ولی بسیاری را با گنجهای روحانی، ثروتمند می‌سازیم. صاحب چیزی نیستیم، اما همه چیز داریم. ای دوستان عزیزم که در قرن‌تس هستید، هر چه در دل داشتیم، به شما گفتیم و محبت خود را به شما نشان دادیم. اما اگر هنوز هم بین ما سردی هست، بعلت کمی محبت من نیست، بلکه در اثر کمی محبت شماست. با شما همچون فرزندان خود سخن می‌گوییم. دل‌تان را برای محبت ما باز کنید و شما نیز محبت خود را به ما نشان دهید.</p>
<p>Mark 4:35-41</p> <p>On that day, when evening had come, he said to them, "Let us go across to the other side." And leaving the crowd behind, they took him with them in the boat, just as he was. Other boats were with him. A great windstorm arose, and the waves beat into the boat, so that the boat was already being swamped. But he was in the stern, asleep on the cushion; and they woke him up and said to him, "Teacher, do you not care that we are perishing?" He woke up and rebuked the wind, and said to the sea, "Peace! Be still!" Then the wind ceased, and there was a dead calm.</p> <p>He said to them, "Why are you afraid? Have you still no faith?" And they were filled with great awe and said to one another, "Who then is this, that even the wind and the sea obey him?"</p>	<p>غروب آن روز، عیسی به شاگردانش فرمود: "به کناره دیگر دریاچه برویم." پس آن عده‌ای را که در ساحل گرد آمده بودند، روانه کردند و با همان قایقی که عیسی در آن نشسته بود، به راه افتادند. البته عده‌ای نیز با قایق‌های دیگر همراهشان رفتند. چیزی نگذشت که طوفانی شدید در گرفت. امواج سهمگین، قایق را آنچنان در هم می‌کوبید که نزدیک بود از آب پر شده، غرق شود. اما عیسی در انتهای قایق آسوده خاطر، سر را بر بالشی گذاشته و خوابیده بود. شاگردان سراسیمه او را بیدار کردند و گفتند: "استاد، استاد، داریم غرق می‌شویم. اصلاً هیچ به فکر ما نیستید؟!" او برخاست و به باد و دریا فرمان داد: "آرام شو!" همان لحظه باد از وزیدن باز ایستاد و همه جا آرامی کامل برقرار شد. عیسی به شاگردانش فرمود: "چرا اینقدر ترسیده بودید؟ آیا هنوز هم به من اعتماد ندارید؟" ایشان در حالیکه ترس سراسر وجودشان را فرا گرفته بود، به یکدیگر می‌گفتند: "این دیگر چگونه انسانی است که حتی باد و دریا هم اطاعتش می‌کنند!"</p>
<p>Post Communion</p> <p>O God, whose beauty is beyond our imagining and whose power we cannot comprehend: show us your glory as far as we can grasp it, and shield us from knowing more than we can bear until we may look upon you without fear; through Jesus Christ our Saviour.</p>	<p>خداوند، ای کسی که زیبایی‌اش فراتر از تصورمان است و قدرتش را که نمی‌توانیم درک کنیم: جلالت را تا جایی که بتوانیم آنرا درک کنیم به ما نشان بده، و ما را حفظ کن تا بیش از تحملمان ندانیم تا زمانی که بتوانیم بدون ترس به تو روی آوریم؛ بواسطه منجیمان عیسی مسیح.</p>